

Phenomenology of the Issue of Migration of Married Women in the Official Notary Offices of Isfahan

Karim Khanmohammadi¹, Maryam Ghazi Esfahani², Bentalhoda Chiani³

¹ Professor, Department of Cultural Studies and Communication, Baqir al-Olum University, Qom, Iran (**Corresponding author**), khanmohammadi49@yahoo.com

² PhD., Department of Culture and Communication, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. Maryam_ghazi2002@yahoo.com

³ Master's student, Department of Culture and Communication, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. chiani.1363@gmail.com

Abstract

The phenomenon of the migration of Iranian women, especially married women, in recent decades has found ever-increasing importance as a part of the trend of the "feminization of migration". Married women are situated in a tensionary position between traditional family roles and the inclination towards self-realization, and their experience of migration is accompanied by identity, social, and cultural conflicts; especially in the city of Isfahan, which is a society in transition between tradition and modernity. The present research, with the aim of understanding the manner of the manifestation of migration for Isfahani married women, has dealt with the analysis of their lived experience in the stage of migration decision-making. This study, with a phenomenological approach and by employing thematic analysis, examines the experience of married Iranian women who have had the intention of migration or have been placed on the verge of migration. The theoretical framework of the research is established upon the threefold registers of Jacques Lacan (the Imaginary, the Symbolic, the Real) so that the interaction among individual desires, social pressures, and cultural limitations in the process of migration decision-making is analyzed. The data of the research were collected through semi-structured interviews and in the context of the official notary offices of Isfahan; a place where family decisions and legal commitments related to migration are observable. The findings demonstrate that the migration experience of women is formed at three levels: 1) in the Imaginary register, migration is conceived as a way for liberation from lived failures and the attainment of the desired life; 2) in the Symbolic register, the pressure of gender roles, the inequality of opportunities, occupational limitations, and family expectations limit the decision of women; 3) in the Real register, lacks and unsatisfied desires manifest in the form of a fantasy of hope for a better life outside of the country.

Keywords: Migration, Married women, Official notary offices of Isfahan.

Cite this article: Khanmohammadi, K., Ghazi Esfahani, M. & Chiani, B. (2026). Phenomenology of the Issue of Migration of Married Women in the Official Notary Offices of Isfahan. *Social-Cultural Studies of Hawzah*, 10(1), p. 177-194. <https://doi.org/10.22034/scs.2026.72655.1437>

Received: 2025-10-05 ; **Revised:** 2025-12-14 ; **Accepted:** 2026-01-08 ; **Published online:** 2026-03-30

Published by: The Scientific Association for Social Studies of the Seminary

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights

Article type: Research Article



پدیدارشناسی مسئله مهاجرت زنان متأهل در دفاتر اسناد رسمی اصفهان

کریم خان محمدی^۱، مریم غازی اصفهانی^۲، بنت‌الهدی چیانی^۳

^۱ استاد، گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

khanmohammadi49@yahoo.com

^۲ دکتری، گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. Maryam_ghazi2002@yahoo.com

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، قم، ایران. chiani.1363@gmail.com

چکیده

پدیده مهاجرت زنان ایرانی، به‌ویژه زنان متأهل، در دهه‌های اخیر به‌عنوان بخشی از روند «زنانه شدن مهاجرت» اهمیت روزافزونی یافته است. زنان متأهل در موقعیت تنشی میان نقش‌های سنتی خانوادگی و تمایل به خودتحقیقی قرار دارند و تجربه آنان از مهاجرت با تعارضات هویتی، اجتماعی و فرهنگی همراه است؛ به‌ویژه در شهر اصفهان که جامعه‌ای در حال گذار میان سنت و مدرنیته می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف فهم چگونگی پدیدار شدن مهاجرت برای زنان متأهل اصفهانی، به تحلیل تجربه زیسته آنان در مرحله تصمیم‌گیری مهاجرت پرداخته است. این مطالعه با رویکرد پدیدارشناسی و با بهره‌گیری از تحلیل مضمون، تجربه زنان متأهل ایرانی را که قصد مهاجرت داشته یا در آستانه مهاجرت قرار گرفته‌اند، بررسی می‌کند. چارچوب نظری پژوهش بر سپهرهای سه‌گانه ژاک لاکان (خیالی، نمادین، واقع) استوار است تا تعامل میان تمناهای فردی، فشارهای اجتماعی و محدودیت‌های فرهنگی در فرآیند تصمیم‌سازی مهاجرتی تحلیل شود. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و در بستر دفاتر اسناد رسمی اصفهان گردآوری شد؛ جایی که تصمیم‌های خانوادگی و تعهدات حقوقی مرتبط با مهاجرت قابل مشاهده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تجربه مهاجرت زنان در سه سطح شکل می‌گیرد: (۱) در سپهر خیالی، مهاجرت به عنوان راهی برای رهایی از ناکامی‌های زیسته و دستیابی به زندگی مطلوب تصور می‌شود؛ (۲) در سپهر نمادین، فشار نقش‌های جنسیتی، نابرابری فرصت‌ها، محدودیت‌های شغلی و انتظارات خانواده، تصمیم زنان را محدود می‌کند؛ (۳) در سپهر واقع، فقدان‌ها و میل‌های ارضاء نشده، به شکل فانتزی امید به زندگی بهتر در خارج از کشور بروز می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، زنان متأهل، دفاتر اسناد رسمی اصفهان.

استاد به این مقاله: کریم خان محمدی، مریم غازی اصفهانی، مریم چیانی، بنت‌الهدی (۱۴۰۵). پدیدارشناسی مسئله مهاجرت زنان متأهل در دفاتر

اسناد رسمی اصفهان. مطالعات فرهنگی اجتماعی حوزه، ۱۰(۱)، ص ۱۷۷-۱۹۴. <https://doi.org/10.22034/scs.2026.72655.1437>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۸؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی ناشر: انجمن علمی مطالعات اجتماعی حوزه نویسنده: بنت‌الهدی چیانی/نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.



۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر، مهاجرت زنان به یکی از پدیده‌های پیچیده و چندلایه در جوامع جهانی تبدیل شده است. این پدیده تحت تأثیر فرایندهایی مانند جهانی‌شدن، افزایش شتاب جابه‌جایی‌ها و زنانه‌شدن جریان‌های مهاجرتی دستخوش تغییرات اساسی شده است. رشد سطح تحصیلات زنان، گسترش فرصت‌های ارتباطی و تغییر انتظارات اجتماعی موجب شده که زنان بیش از گذشته به‌عنوان بازیگران مستقل در تصمیمات مهاجرتی نقش آفرینی کنند. آمارها نشان می‌دهد که سهم زنان در مهاجرت جهانی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ تقریباً به نیمی از جمعیت مهاجران رسیده و در سال‌های اخیر بیش از ۴۵ تا ۵۲ درصد مجوزهای اقامت ایرانیان در کشورهای مقصد مانند کانادا، فنلاند و استرالیا به زنان اختصاص یافته است (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۴۰۲/۰۹/۱۷). این روند بیانگر تحولات بنیادین در نقش زنان ایرانی در تصمیمات سرنوشت‌ساز زندگی است، به‌ویژه در شرایطی که رکود اقتصادی، محدودیت فرصت‌های شغلی و فشارهای اجتماعی و فرهنگی، تصمیمات آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این حال، بخش عمده مطالعات موجود، موضوعات زنان را به‌طور کلی بررسی کرده و کمتر به وضعیت زنان متأهل به‌عنوان گروهی با تجربه زیسته متمایز پرداخته‌اند. تأهل یکی از متغیرهای کلیدی در الگوهای تصمیم‌گیری مهاجرت است؛ زیرا مهاجرت زنان متأهل اغلب پروژه‌ای خانوادگی است که در بستر نقش‌های همسری و مادری، وابستگی‌های خانوادگی و فشارهای اجتماعی شکل می‌گیرد. تنش میان آرزوهای فردی و مسئولیت‌های خانوادگی، نقش همسر در تسهیل یا ممانعت از مهاجرت، محدودیت فرصت‌های شغلی برابر، نگرانی برای آینده فرزندان و فشارهای فرهنگی، تجربه زنان متأهل را از زنان مجرد یا دختران تحصیل‌کرده متفاوت می‌سازد. مطالعه مهاجرت بدون توجه به زمینه‌های خانوادگی و جنسیتی، تصویری ناقص و یکدست از تجربه زنان ارائه می‌دهد. انتخاب شهر اصفهان به‌عنوان بستر پژوهش اهمیت ویژه‌ای دارد. اصفهان جامعه‌ای در حال گذار از سنت به مدرنیته است؛ شهری که در آن ارزش‌های مذهبی و الگوهای سنتی خانواده در کنار گسترش آموزش عالی، رشد طبقه متوسط و حضور اجتماعی زنان هم‌زمان قابل مشاهده است. این هم‌زیستی سنت و مدرنیته، زنان متأهل اصفهانی را در مواجهه با مهاجرت با مجموعه‌ای از تنش‌های هویتی، خانوادگی و اجتماعی روبه‌رو می‌کند. محدودیت فرصت‌های شغلی برابر، نادیده گرفته شدن در فرایندهای تصمیم‌سازی، فشار نقش‌های جنسیتی و تضاد آرزوهای فردی با انتظارات سنتی خانواده، انگیزه مهاجرت را در میان آنان تقویت می‌کند. با توجه به این شرایط، پرسش اصلی پژوهش این است که: مهاجرت برای زنان متأهل اصفهانی چگونه پدیدار می‌شود و تجربه زیسته آنان چه معانی، انگیزه‌ها و چالش‌هایی را دربرمی‌گیرد؟ پاسخ به این پرسش با رویکرد پدیدارشناسانه می‌تواند تصویر واقعی و انسانی‌تری از مهاجرت زنان ایرانی ارائه دهد و نشان دهد که چگونه زنان متأهل، میان نقش‌های سنتی خانوادگی و فرصت‌های فردی تعادل برقرار می‌کنند.



۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

مهاجرت زنان، به ویژه در کلان‌شهرهایی چون اصفهان، صرفاً یک جابه‌جایی مکانی نیست، بلکه بازتابی از تحولات هویتی، فرهنگی و ارتباطی گسترده در جامعه شهری ایران است. افزایش سطح تحصیلات، گسترش رسانه‌های دیجیتال و تغییر انتظارات اجتماعی موجب شده تا نقش زنان در تصمیمات مهاجرتی برجسته‌تر شود (خدادادی سنگده و احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۰). با وجود این، مطالعات میان‌رشته‌ای درباره چرایی و چگونگی شکل‌گیری میل به مهاجرت زنان ایرانی محدود بوده و اغلب مهاجرت در چارچوب‌های اقتصادی یا جمعیت‌شناختی بررسی شده است (حمزوی عابدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۳۲). تحلیل تجربه زیسته زنان متأهل این امکان را می‌دهد که فرایندهای ذهنی، فرهنگی و اجتماعی تصمیم‌گیری مهاجرتی آشکار شده و عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی که تجربه مهاجرت را شکل می‌دهند، شناسایی گردد. اصفهان، به‌عنوان نمونه‌ای از جامعه در حال گذار، زمینه مناسبی برای بررسی تعارض نقش‌ها و انتظارات اجتماعی زنان فراهم می‌آورد. از منظر کاربردی، شناخت انگیزه‌ها و نگرش‌های زنان نسبت به مهاجرت می‌تواند به بازنگری سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی، افزایش مشارکت زنان و ارتقای حس تعلق فرهنگی آنان کمک کند (افشانی و زارعان، ۱۳۹۳، ص ۴۱-۶۲). بنابراین، این پژوهش علاوه بر اهمیت علمی، پاسخ به نیازهای کاربردی و سیاست‌گذاری در جامعه امروز ایران است.

۳. پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تحقیقات تجربی درباره تجربه مهاجرت زنان بسیار محدود بوده و بیشتر مطالعات، مهاجرت را با محوریت مردان بررسی کرده‌اند. با این حال، یکی از تحولات مهم مهاجرتی در دهه‌های اخیر، افزایش حضور زنان در فرآیند مهاجرت و رشد مهاجرت مستقل زنان می‌باشد؛ پدیده‌ای که به «زنانه شدن مهاجرت» معروف شده است (مشفق و خزایی، ۱۳۹۴، ص ۸۶).

عباس‌زادگان (۱۳۸۳) در مقاله «ابعاد و علل مهاجرت از نوع فرار مغزها در ایران»، مهاجرت تحصیل‌کردگان را نتیجه مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دانسته و بر ضرورت توجه به سیاست‌های آموزشی و علمی کشور، نظام اجتماعی و اقتصادی، فناوری توسعه و تعهد مهاجران تأکید کرده است. وی ضعف روابط اجتماعی و نقصان بار فرهنگی آموزش را از جمله زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مهاجرت برمی‌شمارد.

جعفری معطر (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «مهاجرت نخبگان: بررسی زمینه‌های مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان نخبه به مهاجرت»، ضعف نظام آموزشی کشور را در صدر انگیزه‌های مؤثر بر دفع مغزها قرار داده و همچنین میزان مشارکت اجتماعی، سازوکارهای پیوستگی فرد به جامعه و مسائل فرهنگی مانند یگانگی فرهنگی و اجتماعی را از عوامل مؤثر در مهاجرت دانسته که کمتر در تبیین پدیده مهاجرت مورد توجه قرار گرفته‌اند.



افیونی و قاسمی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان «تحلیل تجربه زیسته زنان از مهاجرت، مطالعه برون مرزی زنان»، پس از تأکید بر افزایش مهاجرت زنان ایرانی، معتقدند که تجربه زنان از مهاجرت در زندگی روزمره با تحول و شرایط زیست اجتماعی آنان تغییر ملموسی یافته است.

عربستانی (۱۳۹۷) در کتاب «تمنای رفتن؛ مهاجرت به خارج در میان ذهنیت ایرانی»، تمایل به مهاجرت را نشانگر خلأ یا فقدانی می‌داند که سوژه ایرانی در جغرافیای سیاسی کشور آن را تجربه می‌کند و تلاش دارد در جای دیگری آن را جبران کند؛ نوعی بی‌بهره‌گی از نظام اقتصاد امید، محرومیت از برخی تمناها و به رسمیت شناخته نشدن تمناهای دیگر (از معیشت تا حرمت انسانی و آزادی انتخاب) که این تمنا و آرزومندی، سوژه ایرانی را به ورای مرزها فرامی‌افکند.

طاهرخانی (۱۳۸۳) در مقاله «آثار جهانی شدن بر زنان» معتقد است که جهانی شدن بیم و امید به همراه دارد و آثار آن دو رویه دارد؛ از یک سو تهدید بوده و از سوی دیگر فرصت است. آثار جهانی شدن بر زنان، عمق و پیچیدگی بیشتری دارد؛ اگرچه افزایش درآمد، اشتغال، توسعه سرمایه اجتماعی، بهره‌وری، حق انتخاب و آگاهی را به همراه داشته، آثار منفی مانند اشتغال غیررسمی، دستمزدهای اندک، کاهش امنیت غذایی، افزایش مهاجرت، فروپاشی ارزش‌های سنتی و کاهش امنیت شغلی را نیز تشدید کرده است. ویژگی‌های کارکردی زنان ایران نشان می‌دهد که تهدیدهای پیش‌روی آنان بیشتر از فرصت‌های پیش‌رو است.

جمع‌بندی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات موجود به چهار حوزه اصلی اشاره دارند:

- ۱) انگیزه‌ها و زمینه‌های مهاجرت تحصیل‌کردگان و نخبگان؛
- ۲) نقش نظام آموزشی و سازوکارهای اجتماعی در کاهش یا افزایش تمایل به مهاجرت؛
- ۳) تغییرات جمعیتی و تحولات جهانی و تأثیر آن بر تجربه زنان؛
- ۴) تجربه زیسته و اجتماعی زنان مهاجر.

با این حال، اغلب پژوهش‌ها به صورت تفکیک‌شده و گزارشی ارائه شده‌اند و تجربه زنان ایرانی در مرحله پیش از مهاجرت و بازنمایی پدیدارشناسانه آن کمتر بررسی شده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر تجربه زنان متأهل در مرحله پیش از مهاجرت، ضمن پر کردن این خلأ، ابعاد «زنانه شدن مهاجرت» را به صورت جامع تحلیل کرده و عوامل فردی، خانوادگی و فرهنگی مؤثر بر تصمیم‌گیری مهاجرتی آنان و بازنمایی تجربه در فضای اجتماعی و رسانه‌ای را بررسی می‌کند.

۴. مفاهیم پژوهش

بخش مفاهیم پژوهش، چارچوب نظری و عملی مطالعه را مشخص می‌کند و تعاریف کلیدی را برای درک عمیق موضوع ارائه می‌دهد. در این پژوهش، مفاهیم «زن متأهل»، «مهاجرت» و «دفاتر اسناد



رسمی اصفهان» به عنوان محورهای اصلی تحلیل انتخاب شده‌اند. این تعاریف، علاوه بر روشن کردن دامنه مطالعه، زمینه را برای فهم تجربه زیسته زنان متأهل و تحلیل انگیزه‌ها، فشارها و آرزوهای آنان در فرآیند تصمیم به مهاجرت فراهم می‌آورند. همچنین، با معرفی این مفاهیم، پل روش‌شناختی میان بیان مسئله، اهمیت پژوهش و چارچوب نظری ایجاد می‌شود.

۴-۱. زن متأهل

در این پژوهش، «زن متأهل» به زنی اطلاق می‌شود که در چارچوب خانواده دارای مسئولیت‌های عاطفی، اخلاقی و اجتماعی در قبال همسر و فرزندان خود بوده و همزمان با فشارها، محدودیت‌ها و انتظارات فرهنگی و اجتماعی خاصی مواجه است که بر انتخاب‌ها و کنش‌های او اثرگذارند. در بافت فرهنگی اصفهان، نقش سنتی زن متأهل - به‌ویژه در حفظ بنیان خانواده و ایفای نقش مراقبتی - اهمیت بالایی دارد، اما تحولات اجتماعی، افزایش سطح تحصیلات و گسترش فرصت‌های ارتباطی موجب شده تا بسیاری از این زنان میان تعهد خانوادگی و میل به تجربه فردی، کشمکش درونی را تجربه کنند. این تعارض میان سنت و خودتحقیق، یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری انگیزه‌های مهاجرت در میان زنان متأهل اصفهانی به‌شمار می‌آید.

۴-۲. مهاجرت

در این پژوهش، «مهاجرت» به عنوان یک کنش اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود که ریشه در عوامل اقتصادی، اجتماعی، روان‌شناختی و نمادین دارد. واژه مهاجرت از ریشه «هجر» به معنای جدایی و فراق است و به جابه‌جایی افراد از مکانی به مکان دیگر با هدف بهبود وضعیت زندگی، رهایی از محدودیت‌ها یا دستیابی به فرصت‌های جدید اشاره دارد (دهخدا، ۱۳۷۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۳۶). اگرچه مهاجرت در گذشته پدیده‌ای مردانه تلقی می‌شد، اما در دهه‌های اخیر با روند «زنانه شدن مهاجرت» مواجه هستیم. زنان، نه به تبع مردان خانواده، بلکه به عنوان عاملان مستقل، دست به تصمیم‌گیری برای مهاجرت می‌زنند. زنان متأهل جایگاه خاصی دارند؛ تصمیم آن‌ها برای مهاجرت تنها یک انتخاب فردی نیست، بلکه مستلزم عبور از مرزهای تعهدات خانوادگی و فرهنگی است. در این پژوهش، مهاجرت به مثابه یک کنش هویتی، نمادین و تمنا محور تحلیل می‌شود که بازتاب کشمکش‌های درونی و اجتماعی زنان در بستر فرهنگی اصفهان است.

۴-۳. دفاتر اسناد رسمی اصفهان

«دفاتر اسناد رسمی اصفهان» به عنوان بستر اجتماعی و سازمانی مطالعه انتخاب شده‌اند. این دفاتر، واحدهای رسمی تنظیم و ثبت اسناد حقوقی، معاملات و تعهدات هستند که تحت نظارت سازمان ثبت



اسناد و املاک کشور فعالیت می‌کنند. از منظر ارتباطات اجتماعی، این دفاتر به دلیل ماهیت خدماتی و تعامل گسترده با مراجعان از اقشار مختلف، نقطه تلاقی میان ساختارهای رسمی و تجربه‌های زیسته مردم محسوب می‌شوند. اصفهان با ساختار طبقاتی و فرهنگی پیچیده، فضایی است که در آن تقابل سنت و مدرنیته و تعامل میان نظم اداری و تمایلات فردی در زیست روزمره زنان متأهل به‌وضوح قابل مشاهده است. دفاتر اسناد رسمی به‌عنوان فضاهایی نیمه‌عمومی، امکان مشاهده و تحلیل تنش‌های فرهنگی و تصمیم‌های مرتبط با مهاجرت را فراهم می‌کنند.

۴-۴. پدیدارشناسی

پدیدارشناسی رویکردی پژوهشی است که هدف آن درک تجربه زیسته افراد از یک پدیده و شناخت معنای آن پدیده از دیدگاه خود افراد است، نه توضیح علت‌ها یا آزمون فرضیات. این رویکرد مناسب مطالعه مهاجرت زنان متأهل است؛ زیرا می‌تواند نشان دهد که تجربه مهاجرت برای زنان چگونه شکل می‌گیرد، چه معناهایی دارد و چه فشارها و آرزوهایی آن‌ها را به سوی مهاجرت سوق می‌دهد. پدیدارشناسی، پژوهشگر را قادر می‌سازد تا بدون پیش‌داوری، تجربه زیسته و ذهنیت زنان متأهل اصفهانی را تحلیل کند و پل منطقی بین بیان مسئله و روش تحقیق ایجاد نماید.

۵. چارچوب نظری: سپهرهای سه‌گانه ژاک لاکان

ادبیات نظری این پژوهش بر مفاهیم کلیدی و چارچوب نظری (سپهرهای سه‌گانه لاکان) استوار است که امکان تحلیل تجربه زیسته، آرزوها و تمنای سوژه را فراهم می‌آورد. هرچند عوامل ساختاری و جهانی مانند جهانی‌شدن، رسانه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و آسان شدن سفر به خارج نیز بر تصمیم به مهاجرت تأثیر دارند، اما تمرکز پژوهش بر انتخاب‌ها، ذهنیت و آرزوهای شخصی سوژه بوده که محصول تجربه زیسته و تمایلات ناخودآگاه اوست.

۱-۵. **سپهر خیالی (نظم تصویری):** در این سپهر، کودک برای اولین بار خود را موجودی مستقل از مادر و محیط می‌یابد و حس بیگانگی، جدایی و ناامیدی شکل می‌گیرد (لاکان، ۱۳۹۷، ص ۲۷۵). این تجربه، شکل‌گیری من آرمانی و میل به وحدت با ابژه‌ها را به همراه دارد و نشان می‌دهد که میل و آرزومندی انسانی از فقدان‌ها و نیازهای برآورده نشده شکل می‌گیرد. سوژه در این چارچوب، فردی آرزومند و متماور است که تجربه زیسته او در تصمیم‌های مهم زندگی، از جمله مهاجرت، متأثر از این تمنّاها است (عربستانی، ۱۳۹۷، ص ۴۵).

۲-۵. **سپهر نمادین (نظم نمادین):** سوژه از طریق یادگیری زبان و قوانین اجتماعی، به موجودی نمادین تبدیل می‌شود که رفتار و انتخاب‌هایش تحت محدودیت‌های «دیگری» قرار دارد (لاکان، ۱۳۹۷، ص ۲۶۸). این سپهر امکان تحلیل فشارهای اجتماعی، فرهنگی و محدودیت‌های تصمیم‌گیری زنان را



فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که مهاجرت زنان متأهل، تعاملی پیچیده میان آرزوهای فردی و ساختارهای نمادین جامعه است.

۳-۵. سپهر واقع (نظم واقع): این سپهر شامل میل‌های ارضاء نشده و فقدان‌های گذشته است که به صورت فانتزی و توهم‌های ذهنی ظاهر می‌شوند (عربستانی، ۱۳۹۷، ص ۴۵). سوژه ممکن است برای فرار از فشارها و شکست‌ها، زندگی در دنیایی مرکب از خیال و واقعیت را انتخاب کند. تحلیل این سپهر به پژوهشگر امکان می‌دهد تا تمایلات ناخودآگاه و آرزومندی‌های پنهان در اعماق ناخودآگاه زنان که هرگز به زبان نمی‌آید را در تصمیم به مهاجرت شناسایی کند.

رویکرد مردم‌نگارانه همانند روانکاوی، بر ذهنیت، عاملیت و تجربه زیسته فرد تأکید دارد و پژوهشگر را قادر می‌سازد تا از نگاه سوژه، جهان‌بینی و چشم‌انداز او را درک کند. براساس این چارچوب، میل و تمنا به مهاجرت نه تنها محصول شرایط اقتصادی یا اجتماعی، بلکه نمود تعامل پیچیده سه سپهر ذهنی و تجربه زیسته سوژه است.

۶. روش تحقیق

پژوهش حاضر با رویکرد پدیدارشناسی^۱ انجام شده تا تجربه زیسته زنان ایرانی متأهل متقاضی مهاجرت به طور عمیق مطالعه شود (دانایی فرد، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵؛ فرامرز قراملکی، ۱۳۹۶، ص ۳۳۸). پدیدارشناسی، به عنوان یک رویکرد فلسفی و علوم اجتماعی، بر تجربه ذهنی و معنایی سوژه‌ها تمرکز دارد و امکان می‌دهد که پدیده‌ها همان‌گونه که برای خود سوژه‌ها ظاهر می‌شوند، فهمیده شوند (Husserl, 1970, pp. 252-253). این نگاه فلسفی - روش‌شناختی، امکان توصیف دقیق تجربه زیسته و شناسایی معانی آشکار و پنهان تصمیم به مهاجرت را فراهم می‌آورد. در کنار این، پژوهش از چارچوب نظری لاکان به عنوان نظریه روانکاوانه بهره می‌گیرد تا ساختار ذهنی و روانی سوژه‌ها در فرآیند مهاجرت تحلیل شود. نظریه لاکان با سه سپهر خیالی، نمادین و واقع، امکان بررسی تمناها، آرزوها و تعامل سوژه با «دیگری» را فراهم می‌کند (Lacan, 2007, pp. 11-83). بنابراین، پدیدارشناسی و تحلیل مضمون، ابزار فهم تجربه‌ها هستند و چارچوب روانکاوانه لاکان، وسیله تبیین و تحلیل ساختار ذهنی و روانی آن تجربه‌ها می‌باشند. همسو بودن این دو مکتب پژوهشی به شکل زیر استدلال می‌شود:

۱. پدیدارشناسی امکان دسترسی به تجربه ذهنی و معناداری سوژه را فراهم می‌آورد و سوالات تحقیق را بر پایه تجربه زیسته شکل می‌دهد (Smith & et al., 2009, pp. 11-12).
۲. نظریه لاکان این تجربه‌ها را در قالب یک چارچوب تحلیلی، قابل فهم می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه تمناها و آرزوهای ناخودآگاه بر تصمیم‌ها و کنش‌ها تأثیر می‌گذارند.



۳. ترکیب این دو مکتب، پژوهشگر را قادر می‌سازد که هم تجربه ظاهری و هم ساختار روانی تصمیم به مهاجرت زنان متأهل را تحلیل کند، بدون اینکه یکی جایگزین دیگری شود؛ پدیدارشناسی توصیف می‌کند و لاکان تحلیل قیاسی ارائه می‌دهد.

برای تحقق این رویکرد، از تحلیل مضمون^۱ به عنوان ابزار پدیدارشناسی استفاده شده است. تحلیل مضمون، مضامین آشکار و پنهان تجربه زیسته زنان را استخراج و سپس در چارچوب سه سپهر خیالی، نمادین و واقع لاکان تحلیل می‌کند (امامی سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۷-۵۸). این روش امکان بررسی دقیق تعامل سوژه با محیط اجتماعی و فرهنگی و دسترسی به آرزوها و تمناهای ناخودآگاه او را فراهم می‌آورد. در این مطالعه، ۱۳ زن مهاجر ایرانی متأهل، بین ۲۰ تا ۶۰ سال، براساس اصل اشباع داده‌ها^۲ انتخاب شدند. مکان و زمان مصاحبه‌ها با توجه به دسترسی و راحتی مشارکت‌کنندگان تنظیم شد و هدف، درک کامل تجربه زیسته و شناخت تمناها و آرزوهای آنان در فرآیند مهاجرت بود. جدول (۱) مشخصات شرکت‌کنندگان را نشان می‌دهد و تنوع در سن، تحصیلات، شغل و کشور مقصد، امکان شناسایی گستره وسیعی از تجربه‌ها و تمناها را فراهم آورد. در نهایت، این رویکرد، ارتباط ارگانیک میان فلسفه پدیدارشناسی و روانکاوی لاکان را نشان می‌دهد. تجربه زیسته زنان توسط تحلیل مضمون توصیف می‌شود و چارچوب روانکاوانه لاکان، امکان تبیین ساختار ذهنی و روانی تجربه‌ها را فراهم می‌آورد. این ترکیب استدلالی، بنیاد تحقیق را شکل می‌دهد و نشان می‌دهد که مطالعه مهاجرت زنان متأهل، هم از نظر اجتماعی-فرهنگی و هم روانکاوانه، قابل تحلیل است. نمونه‌های این پژوهش شامل ۱۳ زن متأهل ایرانی با تجربه مهاجرت به کشورهای مختلف هستند. این گروه با توجه به نقش ویژه زنان متأهل در خانواده و تعهدات فرهنگی و اجتماعی، انتخاب شدند تا تجربه زیسته، انگیزه‌ها و تصمیمات آنان در فرآیند مهاجرت، مورد تحلیل قرار گیرد. تنوع سنی، تحصیلی و شغلی مشارکت‌کنندگان امکان بررسی گستره وسیعی از تجربه‌ها و آرزوهای زنان را فراهم می‌کند.

جدول ۱- توصیف زنان مشارکت‌کننده در مصاحبه

ردیف	سن (سال)	تحصیلات (شغل)	کشور محل عزیمت	مکان مصاحبه	تاریخ مصاحبه
۱	۳۵	کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی	کانادا	دفترخانه	۱۴۰۳/۵/۲۱
۲	۲۰	لیسانس علوم سیاسی	کانادا	دفترخانه	۱۴۰۳/۵/۲۸
۳	۳۳	لیسانس مامایی	استرالیا	دارالترجمه	۱۴۰۳/۵/۲۸
۴	۲۰	دانشجو	کانادا	دفترخانه	۱۴۰۳/۵/۲۱
۵	۴۹	سردفتر (دکتری حقوق از فرانسه)	فرانسه	دفترخانه	۱۴۰۳/۵/۲۸

1. Thematic Analysis
2. Data saturation



ردیف	سن (سال)	تحصیلات (شغل)	کشور محل عزیمت	مکان مصاحبه	تاریخ مصاحبه
۶	۴۳	مهندس معماری	کانادا	دفترخانه	۱۴۰۳/۵/۲۱
۷	۶۰	پزشک عمومی	امریکا	دفترخانه	۱۴۰۳/۵/۲۸
۸	۴۵	دانشجوی معماری	کانادا	دارالترجمه	۱۴۰۳/۵/۲۱
۹	۳۷	مهندسی علوم آب	کانادا	دفترخانه	۱۴۰۳/۵/۲۸
۱۰	۵۹	دیپلم	کانادا	دارالترجمه	۱۴۰۳/۵/۲۱
۱۱	۳۹	دکتری شهرسازی	نیوزیلند	دفترخانه	۱۴۰۴/۰۱/۳۰
۱۲	۴۲	پزشک زنان	آلمان	دفترخانه	۱۴۰۴/۰۱/۳۰
۱۳	۲۷	مهندس ژنتیک	کانادا	دفترخانه	۱۴۰۴/۰۱/۳۰

مشارکت کنندگان از نظر سن، تحصیلات، شغل و کشور مقصد مهاجرت متنوع بودند تا طیف وسیعی از تجربیات زیسته در نظر گرفته شود (جدول ۱). مکان و زمان مصاحبه‌ها نیز با توجه به دسترسی و راحتی مشارکت کنندگان تنظیم شد. این شیوه جمع‌آوری اطلاعات امکان بررسی دقیق تمایلات، آرزوها و ذهنیت‌های زنان ایرانی در فرآیند مهاجرت را فراهم کرده و ارتباط مستقیم روش تحقیق با چارچوب نظری سپهرهای سه‌گانه لاکان را تقویت می‌کند؛ زیرا تحلیل مضمون داده‌ها در این چارچوب، بستر درک سپهر خیالی، نمادین و واقعی ذهن سوژه را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد.

۷. یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر به بررسی تجربه‌های زیسته و معانی مهاجرت در ذهنیت زنان متأهل اصفهانی می‌پردازد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق و با روش تحلیل مضمون، در چارچوب سپهرهای سه‌گانه لاکان تحلیل گردید. این چارچوب امکان می‌دهد که رابطه بین تجربه زیسته، آرزوها، تمناهای ناخودآگاه و محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی درک شود. یافته‌ها نشان می‌دهند که مهاجرت برای این زنان نه صرفاً جابه‌جایی مکانی، بلکه فرآیندی چندوجهی است که با آرزو، رنج، امید، مقاومت و بازتعریف هویت درهم تنیده است.

۷-۱. مضمون کلان اول: عوامل مؤثر بر تصمیم به مهاجرت

این مضمون با سپهر نمادین لاکان مرتبط است؛ فشارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به عنوان محدودیت‌های نمادین عمل می‌کنند که آزادی و تصمیم فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در ذهن زنان، مهاجرت، پاسخ به این محدودیت‌ها و تلاش برای بازپس‌گیری عاملیت شخصی است.

فشارها و محدودیت‌های ساختاری: تجربه فساد اداری، پارتی‌بازی و تبعیض جنسیتی، نمایانگر تضاد بین خواست‌های سوژه و محدودیت‌های نمادین جامعه است. سوژه با انتخاب مهاجرت، تلاش می‌کند تا نقش فعال خود را بازیابد و از وضعیت انفعالی رها شود.



فشارهای اقتصادی و روانی: ناامنی شغلی و نوسانات اقتصادی باعث ایجاد احساس فقدان و محدودیت، به سان سپهر خیالی می‌شود. آرزوی بازیابی کرامت و امنیت روانی، نشان‌دهنده تعامل سوژه با تجربه‌های ناخودآگاه اوست.

عوامل کنشی در کشور مقصد: کشور مقصد به عنوان جامعه‌ای قانونمند و فرصت‌محور، در سپهر واقع نمود پیدا می‌کند؛ جایی که تمناها و آرزوهای ناخودآگاه سوژه به سمت تحقق واقعی هدایت می‌شوند.

امید و آینده‌نگری: امید به زندگی بهتر برای فرزندان و آینده روشن‌تر، نمایانگر حرکت سوژه از سپهر خیالی و آرمانی به سوی تحقق واقعیت‌ها است.

عدالت اجتماعی و جنسیتی: مفهوم عدالت، هم در سپهر نمادین و هم در سپهر واقع قابل مشاهده است؛ مهاجرت کنشی عدالت‌جویانه و رهایی‌بخش برای مواجهه با ساختارهای مردسالارانه است.

۲-۷. مضمون کلان دوم: تجربه زیسته پس از مهاجرت

این مضمون ترکیبی از سپهرهای خیالی، نمادین و واقع است و نشان می‌دهد که تجربه زنان پس از مهاجرت، پیچیده و چندوجهی است.

احساس رهایی و بازتعریف خود: رهایی از محدودیت‌های اجتماعی و بازسازی خود، در سپهر خیالی قابل مشاهده است؛ سوژه، اکنون خود را به عنوان کنشگری مستقل تجربه می‌کند.

رشد فردی و استقلال: استقلال مالی و فکری، نمود سپهر واقع بوده و نشان‌دهنده تحقق آرزوهای ناخودآگاه سوژه در دنیای واقعی است.

شکاف‌های فرهنگی و هویتی: تنش فرهنگی میان ارزش‌های سنتی و هنجارهای جامعه میزبان، مربوط به سپهر نمادین است؛ سوژه در تعامل با قوانین و هنجارهای فرهنگی، سعی در بازتعریف هویت دارد.

تنهایی و گسست عاطفی: احساس انزوا و دوری از شبکه حمایتی، بازتاب سپهر خیالی و تجربه فقدان در ذهن سوژه است.

بازتعریف خانواده و نقش مادری: بازسازی نقش‌ها و مشارکت برابر در تصمیم‌گیری، تعامل سوژه با دیگری در سپهر نمادین و تلاش برای تحقق آرزوهای خیالی را نشان می‌دهد.

تجربه دینی در سرزمین جدید: ایمان و دینداری انتخابی و شخصی، تعامل سپهر خیالی و واقع است؛ سوژه، تجربه‌ای درونی و آزاد از دین را شکل می‌دهد.

بازسازی تصویر وطن: نگاه انتقادی به وطن، نمود سپهر واقع است که سوژه در آن تلاش می‌کند تا معنا و ارزش‌های گذشته را بازتعریف کند.

۳-۷. مضمون کلان سوم: تحول هویتی و بازسازی خود

مهاجرت فرایندی است که سوژه را از «سوژه محدود» به «کنشگر خودآگاه» تبدیل می‌کند، تجربه‌ای



که در سه سپهر قابل ردیابی است:

بازتعریف خود و استقلال درونی: تغییر هویت از حاشیه به مرکز، نمود سپهر خیالی و بازسازی تصویر آرمانی از خود است.

تعارض میان گذشته و اکنون: زندگی در دوگانگی ارزش‌های سنتی و مدرن، نشان‌دهنده تعامل سپهر نمادین با محیط فرهنگی جدید است.

بازاندیشی در ایمان و معنویت: ایمان آگاهانه و انتخابی، نمایانگر تعامل سپهر خیالی و واقع و تحقق آرزوهای ناخودآگاه است.

نقش زبان و ارتباط: فراگیری زبان مقصد، امکان حضور در جامعه جدید و حفظ هویت فارسی‌زبان، نمود سپهر واقع و تحقق انتخاب‌های شخصی است.

تجربه دوگانه تعلق: میان‌بودگی فرهنگی، جوهره هویت جدید و سیال سوژه است و در تعامل سپهرهای خیالی و واقع شکل می‌گیرد.

خانواده به‌عنوان بستر بازتعریف هویت: خانواده همچنان محور بازتولید هویت است، اما تعادل میان مسئولیت خانوادگی و استقلال فردی، بازتعریف هویت زنانه را ممکن می‌سازد.

۷-۴. شبکه مضامین و ساختار کلی تجربه زیسته

تحلیل شبکه‌ای مضامین نشان می‌دهد که سه محور اصلی تجربه زیسته زنان در مهاجرت عبارتند از:

- ۱) فشارهای رانشی: محدودیت‌ها و ناکامی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (سپهر نمادین)،
- ۲) عوامل کششی: امید به زندگی انسانی‌تر و عدالت‌محور در جامعه مقصد (سپهر واقع)،
- ۳) تجربه دوگانه پس از مهاجرت: آزادی و تنهایی، بازتعریف هویت و ایمان (سپهر خیالی و واقع).

این سه محور، شبکه‌ای از معانی را می‌سازند که نشان می‌دهد مهاجرت برای زنان متأهل اصفهانی نه گریز از وطن، بلکه جستجوی کرامت، تحقق آرزو و بازسازی هویت است و ارتباط مستقیمی با چارچوب نظری لاکان دارد. شبکه مضامین اصلی و فرعی در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲- شبکه مضامین

سطح تحلیل	مضمون کلان	مضمون اصلی	مضمون فرعی / محتوای پایه
۱	عوامل مؤثر بر تصمیم به مهاجرت (سپهر نمادین)	فشارها و محدودیت‌های ساختاری	تجربه فساد، پارتی‌بازی و تبعیض جنسیتی؛ تلاش برای رهایی از وضعیت انفعالی و بازیابی نقش فعال.
		فشارهای اقتصادی و روانی	ناامنی شغلی و نوسانات اقتصادی؛ آرزوی بازیابی کرامت و امنیت روانی (تعامل با ناخودآگاه).
		عوامل کششی در کشور مقصد	کشور مقصد به عنوان جامعه قانونمند و فرصت‌محور؛ هدایت تمناها به سمت تحقق واقعی (سپهر واقع).



سطح تحلیل	مضمون کلان	مضمون اصلی	مضمون فرعی / محتوای پایه
		امید و آینده‌نگری	امید به زندگی بهتر برای فرزندان و آینده روشن‌تر؛ حرکت از سپهر خیالی به تحقق واقعیت.
		عدالت اجتماعی و جنسیتی	مهاجرت به عنوان کنش عدالت‌جویانه و رهایی‌بخش در مواجهه با ساختارهای مردسالارانه.
۲	تجربه زیسته پس از مهاجرت (ترکیبی از خیالی، نمادین و واقع)	احساس رهایی و بازتعریف خود	رهایی از محدودیت‌ها؛ تجربه سوژه به عنوان کنشگری مستقل در سپهر خیالی.
		رشد فردی و استقلال	استقلال مالی و فکری؛ نمود سپهر واقع و تحقق آرزوهای ناخودآگاه.
		شکاف‌های فرهنگی و هویتی	تنش فرهنگی میان ارزش‌های سنتی و هنجارهای جامعه میزبان (سپهر نمادین).
		تنهایی و گسست عاطفی	احساس انزوا و دوری از شبکه حمایتی؛ بازتاب سپهر خیالی و تجربه فقدان.
		بازتعریف خانواده و نقش مادری	بازسازی نقش‌ها و مشارکت برابر در تصمیم‌گیری.
		تجربه دینی در سرزمین جدید	ایمان و دینداری انتخابی و شخصی؛ شکل‌دهی تجربه‌ای درونی و آزاد.
		بازسازی تصویر وطن	نگاه انتقادی به وطن و تلاش برای بازتعریف معنا و ارزش‌های گذشته (سپهر واقع).
۳	تحول هویتی و بازسازی خود (تبدیل سوژه محدود به کنشگر خودآگاه)	بازتعریف خود و استقلال درونی	تغییر هویت از حاشیه به مرکز؛ بازسازی تصویر آرمانی از خود (سپهر خیالی)
		تعارض میان گذشته و اکنون	زندگی در دوگانگی ارزش‌های سنتی و مدرن (تعامل سپهر نمادین).
		بازاندیشی در ایمان و معنویت	ایمان آگاهانه و انتخابی؛ تحقق آرزوهای ناخودآگاه.
		نقش زبان و ارتباط	فراگیری زبان مقصد و حفظ هویت فارسی‌زبان؛ تحقق انتخاب‌های شخصی.
		تجربه دوگانه تعلق	میان‌بودگی فرهنگی؛ جوهره هویت جدید و سیال سوژه.
		خانواده به‌عنوان بستر بازتعریف هویت	تعادل میان مسئولیت خانوادگی و استقلال فردی.
۴	شبکه مضامین و ساختار کلی تجربه زیسته	فشارهای رانشی	محدودیت‌ها و ناکامی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (سپهر نمادین).
		عوامل کششی	امید به زندگی انسانی‌تر و عدالت‌محور در جامعه مقصد (سپهر واقع).
		تجربه دوگانه پس از مهاجرت	آزادی و تنهایی، بازتعریف هویت و ایمان (سپهر خیالی و واقع).

۸. نتیجه‌گیری

مهاجرت زنان، فرایندی چندوجهی و پیچیده است که تجربه زیسته آنان را در تعامل با ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شکل می‌دهد. پژوهش حاضر با استفاده از روش پدیدارشناسی و تحلیل مضمون، تجربه زیسته زنان متأهل اصفهانی را در فرایند مهاجرت مورد بررسی قرار داد، تا معنا و انگیزه‌های تصمیم آن‌ها برای ترک وطن روشن شود. انتخاب چارچوب نظری سپهرهای سه‌گانه لاکان امکان داد تا این تجربه‌ها با تمرکز بر تعامل سوژه با سپهرهای خیالی، نمادین و واقع تحلیل شده و سوگیری پژوهشگر، به‌عنوان بخشی از تحلیل کیفی، بر جهت‌گیری و فهم داده‌ها تأثیرگذار باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت برای زنان تنها جابه‌جایی مکانی نیست، بلکه فرایندی است که شامل رشد



فردی، بازتعریف هویت، افزایش استقلال و تحقق آرزوهای شخصی و خانوادگی می‌شود. عوامل متعددی در تصمیم به مهاجرت مؤثر هستند؛ فشارهای ساختاری و محدودیت‌های اجتماعی در ایران، از یک‌سو و امید به زندگی آزادتر، فرصت‌های رشد و تضمین آینده فرزندان، از سوی دیگر، زنان را به مهاجرت ترغیب می‌کند. تحلیل مضامین همچنین نشان می‌دهد که زنان در فرآیند مهاجرت، با چالش‌هایی مانند دوری از خانواده، سازگاری با فرهنگ جدید و فشارهای روانی مواجه هستند، اما همزمان، تجربه‌ای از خودشناسی، بازتعریف خانواده و شکل‌گیری هویتی مستقل و میان‌فرهنگی نیز کسب می‌کنند. با بررسی تجربه زیسته زنان از دیدگاه خود آن‌ها و در چارچوب نظری لاکان، می‌توان نتیجه گرفت که مهاجرت، فراتر از جابه‌جایی جغرافیایی، زمینه‌ای برای تحقق عاملیت زنانه، بازتعریف نقش‌های اجتماعی و بازسازی هویت فردی و خانوادگی فراهم می‌آورد. این یافته‌ها، ضمن شناسایی چالش‌ها، فرصت‌ها و انگیزه‌های زنان در فرآیند مهاجرت، تصویری متعادل و استدلالی از تجربه زیسته آنان ارائه می‌دهد و اهمیت توجه به تجربه ذهنی و تمناهای سوژه را در مطالعات کیفی برجسته می‌کند. در مقابل، امید به زندگی بهتر در خارج از کشور، به‌عنوان مضمون اصلی دیگر، نشان‌دهنده انتظارات و آرزوهای زنان برای داشتن زندگی مرفه، آزاد و برابر است. دسترسی به امکانات بهتر، آزادی‌های فردی و اجتماعی، فرصت‌های پیشرفت و رشد و آینده بهتر برای فرزندان، از جمله عواملی هستند که زنان را به مهاجرت ترغیب می‌کنند. با این حال، مهاجرت با چالش‌های متعددی نیز همراه است. دل‌تنگی و دوری از خانواده، مشکلات سازگاری با فرهنگ جدید، مشکلات مالی و شغلی و مشکلات روحی و روانی، از جمله موانعی هستند که زنان در فرآیند مهاجرت با آن‌ها روبرو می‌شوند. در این میان، نگاه واقع‌بینانه به مهاجرت، به‌عنوان مضمون فرعی، نشان‌دهنده آگاهی زنان از جنبه‌های مثبت و منفی مهاجرت و لزوم بررسی دقیق شرایط قبل از اتخاذ این تصمیم است. طبق نظریه لاکان در سپهر نمادین، هویت‌یابی زن مهاجر، با برخی قوانین، باورها و ارزش‌هایی صورت می‌گیرد و خود را با آرمان‌های فرهنگی این-همانی می‌کند؛ آرمان‌های فرهنگی از قبیل ارزش‌های اسلامی، ایرانی بودن، اصول اخلاقیات، اصول مدنیت و غیره. زمانی که از وی می‌پرسند تو چرا این کار را می‌کنی، آن قوانین و دال‌های نمادین را به‌عنوان آنچه خودش را با آن‌ها شناسایی می‌کند بیان کرده و به این ترتیب به خود، افکار و رفتارش معنا می‌دهد. در هویت‌یابی در سپهر خیالی، آنچه مهم است، تصویری است که زن مهاجر در نظر دارد، خود را با آن تطبیق می‌دهد، با آن این-همانی نموده و به سمت آن حرکت می‌نماید. تصویر من منسجم و کاملی که همچون تصویری از آنچه می‌خواهد باشد، در مقابله قرار می‌گیرد. نهایتاً، سطح دیگر هویت‌یابی، در سطح سپهر واقعی است. سپهر واقعی، سپهری است که نه در سپهر نمادین و نه در سپهر خیالی وارد شده است. در این سطح، میل ارضاء نشده زن خواهان مهاجرت، به‌صورت یک فانتزی تجلی می‌یابد. فانتزی همان سناریوی تصویری است که میلی ارضاء نشده را به صحنه می‌آورد؛ یک میانجی توهمی که بین زن



خواهان مهاجرت و واقعیت قرار می‌گیرد و آن زن به‌طور ناخودآگاه با آن، این-همانی می‌کند. در کل، کیفیت زیست ذهنی و عینی زن مهاجر، فرازوفرودهایی دارد که نشان می‌دهد او چگونه توانسته خود را با این زمینه اجتماعی وفق دهد. او نگاه جامعه را نسبت به زن مهاجر می‌شناسد، بنابراین، خود را درگیر شایعات بی‌پایه و اساس آن نمی‌کند. او زنی سرشار از حس آزادی است که در عین حال جویای امنیت اجتماعی و اقتصادی نیز هست. وی حتی بر پایه دیده‌ها، شنیده‌ها و فانتزی ذهنی خود حاضر است داستان زندگی‌اش را به کوششی، هرچند نه کاملاً آگاهانه، در سرزمین جدید از سر گیرد.



منابع

- افشانی، سید علیرضا؛ زارعان، احمد (۱۳۹۳). نقش رسانه‌ها در گسترش و تعمیق فرهنگ عفاف و حجاب و تأثیر آن بر امنیت فردی و اجتماعی. *دانش انتظامی خراسان شمالی*، ۱(۳)، ص ۴۱-۶۲.
- افیونی، شکوه؛ قاسمی، عاصمه (۱۳۹۸). تحلیل تجربه زیسته زنان از مهاجرت: مطالعه مهاجرت برون‌مرزی زنان. *علوم اجتماعی*، ۲۶(۸۷)، ص ۱۵۸.
- امامی سیگارودی، عبدالحسین و همکاران (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی. *پرستاری و مامایی جامع‌نگر*، ۲(۲)، ص ۵۶.
- جعفری معطر، فریدون (۱۳۸۷). مهاجرت نخبگان؛ بررسی زمینه‌های مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان نخبه به مهاجرت از کشور. *راهبرد فرهنگ*، شماره ۱، ص ۱۵۳-۱۷۸.
- حمزوی عابدی، فاطمه؛ باقریان، فاطمه؛ مظاهری، محمدعلی (۱۳۹۳). فرهنگ، مهاجرت و ادراک زن-جنس و ویژگی (مقایسه جوان زن ایرانی، مهاجر ایرانی-کانادایی و کانادایی). *علوم روان‌شناختی*، ۱۳(۵۲)، ص ۵۲۸-۵۴۹.
- خدادادی سنگده، جواد؛ احمدی، خدابخش (۱۳۹۴). نقش عوامل فرهنگی و رسانه‌ای در پیش‌بینی حجاب زنان: مطالعه‌ای ملی. *زنان و خانواده*، شماره ۳۳، ص ۸۵-۱۰۸.
- دانایی‌فرد، حسن (۱۳۸۹). ارتقای پژوهش‌های تفسیری در سازمان: مروری بر مبانی فلسفی و فرایند اجرای روش پدیدارنگاری. *مدیریت بهبود و تحول*، شماره ۶۱، ص ۱۲۱-۱۴۷.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱۵.
- راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت (دمشق): دارالعلم (الدارالشامیه)، ج ۱.
- روزنامه دنیای اقتصاد*. ۱۴۰۲/۰۹/۱۷، شماره: ۵۸۹۴، شماره خبر: ۴۰۲۷۴۶۷.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۳). آثار جهانی‌شدن بر زنان. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱(۲)، ص ۹۳-۱۱۱.
- عباس‌زادگان، سید محمد (۱۳۸۳). ابعاد و علل مهاجرت از نوع فرار مغزها در ایران. *استعدادهای درخشان*، ۲(۴)، ص ۳-۷.
- عربستانی، مهرداد (۱۳۹۷). *تمنای رفتن؛ مهاجرت به خارج در میان ذهنیت ایرانی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۶). *روش‌شناسی مطالعات دینی*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ دهم.
- لاکان، ژاک (۱۳۹۷). *آموزه من*. ترجمه احسان کیانی‌خواه. نشر حرفه نویسنده.
- مشفق، محمود؛ خزایی، معصومه (۱۳۹۴). تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۷(۶۷)، ص ۸۶-۸۷.
- Husserl, E. (1970). *The Crisis of European Sciences and Transcendental Phenomenology*. Evanston: Northwestern University Press.



- Lacan, J. (2007). *The Seminar of Jacque Lacan*. Book XVII: The Other Side of Psychoanalysis (Russell Grigg, Trans.). New York, London: W.W. Norton & Company.
- Merleau-Ponty, M. (1962). *Phenomenology of Perception*. London: Routledge & Kegan Paul.
- Smith, J.A., Flowers, P. & Larkin, M. (2009). *Interpretative Phenomenological Analysis: Theory, Method and Research*. London: SAGE.